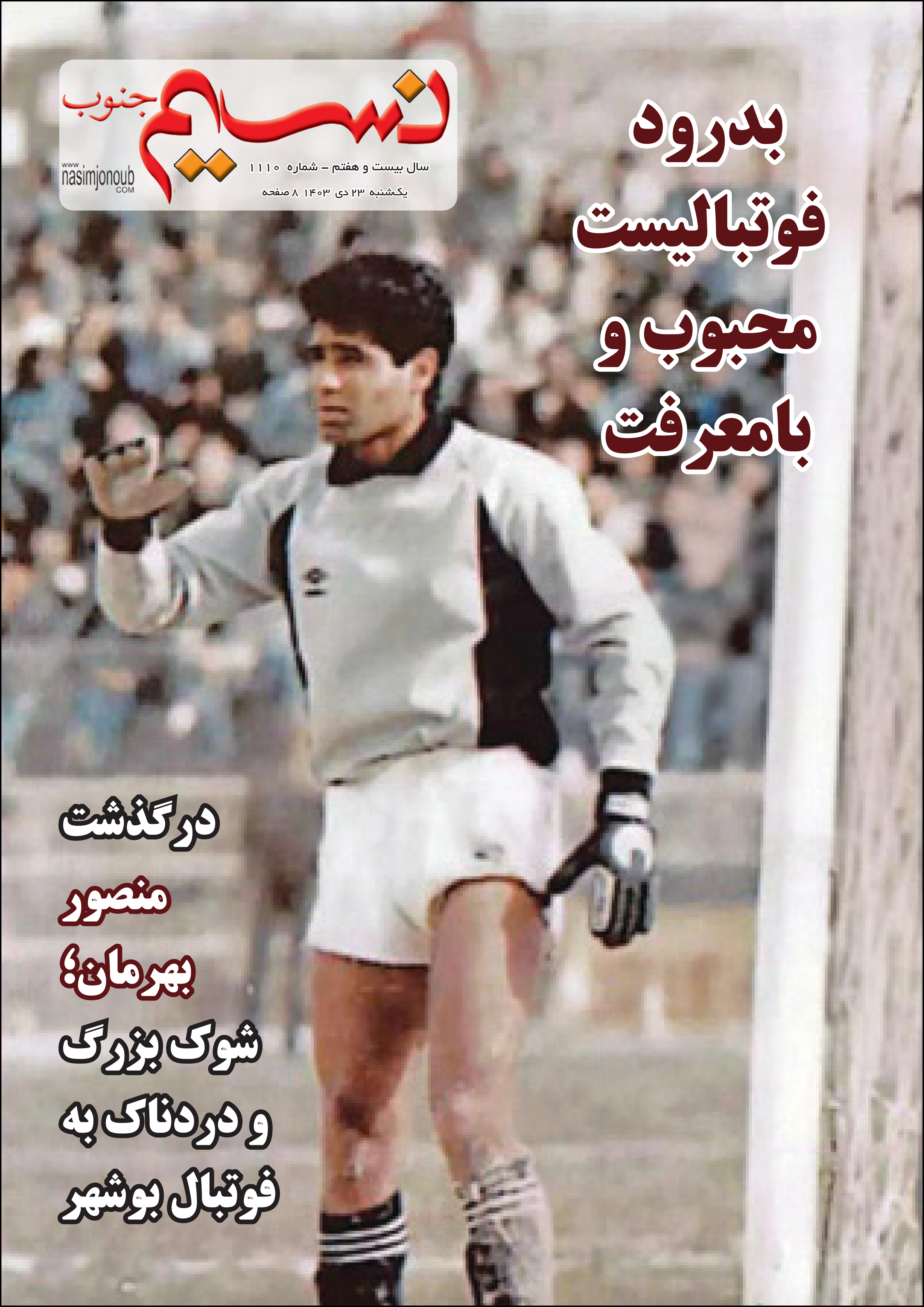
نسیم جنوب
www
nasimjonoub
.COM
سال بیست و هفتم – شماره ۱۱۱۰
یکشنبه ۲۳ دی ۱۴۰۳ ۸ صفحه

بدرود فوتبالیست محبوب و بامعرفت

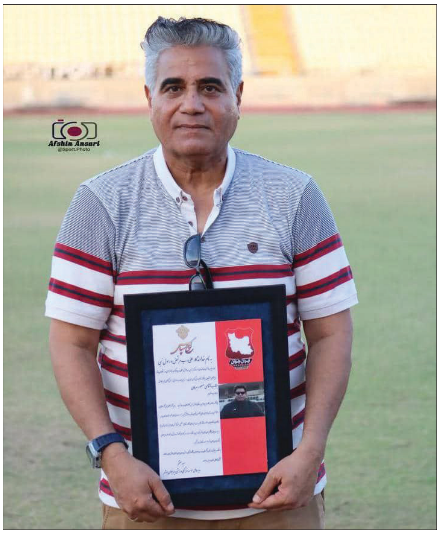


درگذشت منصور بهرمان؛ شوک بزرگ و دردناک به فوتبال بوشهر

بدرود فوتبالیست محبوب و با معرفت



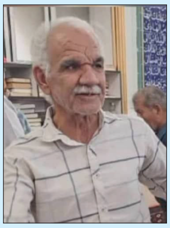
رضا سیاهوشی: ای که از نزهت ایوان تو بابی است بهشت! / وی که از روضه اخلاق تو فصلی است بهار!
و این بار کوچ عزیزی دیگر «منصور بهرمان»
هرچند تاریخ و زمان مرگ هیچ کس مشخص نیست اما خبر و باور مرگ برخی افراد واقعا عجیب و سخت است! منصوری که همیشه و هروقت او را ملاقات می‌کردی با شوخی‌ها و تعاریفش، شاد و خندان می‌شدی، ناگهان خبر مرگش شهری را به سکوت می‌کشاند و به شوک می‌برد!
معرفت راه و مرامیست که به هرکس ندهند
معرفت عشق خدائیست به هر نفس ندهند
معرفت، خوش رویی، طنزگویی و ... از صفات آقا منصور بود که همه را جذب خود می‌کرد و نمی‌شد که او را ببینی و به سراغش نروی و یا خودش به سراغت نیاید.
ادب و رفتاری خاصی داشت و محبوب دل همه و به‌خصوص فوتبالی‌ها بود، زحمات زیادی برای فوتبال



(تیم‌های کارگر، پاس، ایرانجوان، پارس‌جنوبی، منتخب بوشهر، شاهین و ...) به‌عنوان بازیکن و مربی کشید و هیچ وقت در هیچ زمینه‌ای ادعایی نداشت!

یاد و نامش جاوید باد

ابراهیم فروهمند – پیشکسوت فوتبال



زنده نام منصور بهرمان مانند همه فوتبالیست های قدیمی بازی کردن را از زمین خاکی شروع نمود که مورد توجه اینجانب قرار گرفت و در سن ۱۴ سالگی با استعدادی که در آن مشاهده شد به تیم پیشاهنگی وصل شد و در تیم نوجوانان به عضویت درآمد و از آن زمان کار دروازبان را با آن قد وقواره کوچکش آغاز نمود و رقیب دروازبان جوانان و بزرگسال تیم آقای قاسم غفوری شد پس از مدتی تیم فوتبال زیر چتر اداره کار درآمد و آغاز شکوفایی آن زنده نام آغاز شد که در بازی‌های دوستانه اکثرا از وجود آن استفاده می‌شد از جمله راه آهن تهران و چند بازی در شهرهای شیراز و یزد و یاسوج که با بازی‌هایی که انجام داد توجه تیم را به خوش جلب نمود که بعدا در مسابقات رسمی و غیررسمی یک پای دروازه کارگر شد که با تیم جوانان قهرمان بوشهر شد و همین قهرمانی موجب شد به ایرانجوان کوچ نماید که من با این نقل و انتقال راضی نبودم. استعدادهایی که در کارگر به شکوفایی می‌رسیدند مورد توجه باشگاه‌های ایرانجوان و شاهین و بعدا پاس قرار می گرفت البته کارگر چاه بی انتها بود که بر همه فوتبال دوستان کاملا مبرهن بود زنده نام منصور خان همراه من به گسار وصل شد و بعدا دوباره به خانه اول خودش کارگر بازگشت یاد و نامش همیشه جاوید باد.



درخشش در بازی حیثیتی با شیراز

حسین وردیانی



بازی‌های لیگ قدس بود، بازی بوشهر با فارس سوای دیگر بازی‌ها بود. تماشاگران بوشهری چیزی جز پیروزی را نمی‌خواستند. بازی در استادیوم ارتش سوم باهجوم تماشاگران فارس آغاز شد، بازی هر لحظه حساس‌تر می‌شد، منصور بهرمان یک تنه جلو هجوم خط حمله فارس ایستاده بود.
در بیست دقیقه اول ما با دوگل جلو افتادیم، حمید کللی‌فرد و ابراهیم رفعت ما را پیش انداختند. بازی دوبر یک شد، حالا نوبت هنرنمایی منصور بود. در آن زمان پاس روبه عقب آزاد بود، در دقایق باقی مانده منصور سیستم بازی فارس را با حرکت دادن توپ در محوطه وگرفتن آن، با اعصاب بازیکنان،کادر و تماشاچیان بازی کرد و همین حرکات باعث پیروزی تیم شد.
در پایان تماشاگران با یزله درکنار اتوبوس تیم، حاضر شدند. متاسفانه تماشاگران فارس با سنگ به ما حمله‌ور شدند. پلیس شیراز وارد معرکه شد و تا بیرون شهر و بعد از پلیس راه قدیم، ما را همراهی کرد. اگر منصور نبود، آن بازی حیثیتی را نمی‌بردیم. یادش گرامی.

شام غریبان

رضا گلستانیان – پیشکسوت فوتبال
بیاد منصور بهرمان



روز خسیده است...
شب می‌شود
درفراق دوست
چه غمگین شبی است امشب شام غریبان است
در تنهایی ما در فراق او
برافروخته‌ایم شمعی بیادش تا روشنی بخشد بیاد
او این خانه تنهایی را
چو زود سفری بود... و در دور شدی...
این تنهایی‌مان را بی تو ای دوست
با که همراه شویم تا عطر ترا بتراود در این دیار...
شب است و بی‌تو و فراق
و چشم‌های بارانی‌مان
شام غریبان است...
بی‌تو ای دوست
شمعی برافروخته‌ایم...
در این تنهایی...
گلدانه‌های خانه بهانه‌ی ترا می‌گیرند
و گل‌های وجودت
با چشم‌هایی گریان و به پهنای روی اشک فراق
درکدام شانه بگریند که عطر ترا بدهند...
تو برو سفر سلامت
ما هستیم و این تنهایی
بیاد دوست

مردی که لبخندش، زمستان فوتبال بوشهر را گرم می‌کرد

ولید صفری – پیشکسوت فوتبال



زمستانی سرد و غریب، شبانگاه بوشهر را در خود پیچیده بود. آسمان، سکوتی غریب داشت، گویی چیزی از دل خاک بر دل آسمان سنگینی می‌کرد. در این شب تلخ و یخزده، زمزمه‌ای میان کوچه‌ها و خانه‌ها پیچید: منصور بهرمان دیگر نیست.

او مردی بود که نامش با لبخند و شوخ‌طبعی پیوند خورده بود. منصور، همیشه مثل خورشیدی میان جمع می‌درخشید، با آن خنده‌های بی‌پایانش که حتی در سخت‌ترین روزها، دیگران را به زندگی امیدوار می‌کرد. اما چه کسی می‌دانست که این مردِ خندان، درونش دنیایی از دردها و رنج‌ها را پنهان کرده بود؟

منصور برای زندگی راهی خاص یافته بود. او می‌دانست اگر باری از دوش دیگران بردارد، شاید سنگینی دردهای خودش کمتر شود. همیشه رفتارش مشخص بود:



حرف‌هایش آرام‌بخش، نگاهش گرم و حضورش مثل نسیمی ملایم، زخم‌های دل را تسکین می‌داد. برای دوستان و آشنایان، منصور نه‌تنها یک دوست، که یک پناه بود.

اما حالا بوشهر خالی از اوست. زمستان این شهر، این بار سردتر از همیشه شده است. نبودنش مثل شعله‌ای که ناگهان خاموش شود، دل‌ها را در تاریکی فرو برده است. مردی که حتی در غم‌انگیزترین لحظات، با کلامش می‌توانست امید را زنده کند، دیگر نیست تا ما را از بند تلخی‌ها رها سازد.

شب بوشهر سنگین است، اما خاطرات منصور همچون ستاره‌ای در این تاریکی می‌درخشند. یادش مثل چراغی در دل‌های ما زنده است. هر بار که نامش به زبان می‌آید، لبخندی غمگین بر لب‌هایمان می‌نشیند؛ لبخندی که گواه دنیای بی‌کرانی است که او برای‌مان به یادگار گذاشته است.

منصور بهرمان، مردی که با خنده‌هایش دنیا را تسخیر کرد و با رفتنش، جای خالی بی‌پایانی بر دل‌ها گذاشت.

خنده‌هایش را فراموش نخواهم کرد

حیدر عبدالله‌زاده پیشکسوت فوتبال



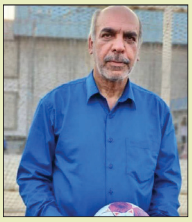
حکایت رفاقت دیرینه‌ی من با منصور، حکایت قهوه‌ای است که امروز با یاد او تلخ‌تلخ نوشیدم. با هر جرعه بسیار اندیشیدم که آیا این طعم را دوست دارم یا نه؟ و آن‌قدر در بین دوست داشتن و نداشتن گیر کردم که انتظار تمام شدنش را نداشتم. وقتی تمام شد، فهمیدم که باز هم قهوه می‌خواهم، حتی تلخ‌تلخ.

با منصور ۱۰ سال سر یک سفره نشستیم، همیشه با عشق. فکر می‌کنم قلب، مهمانخانه نیست که آدم‌ها بیایند دو سه ساعت یا دو سه روز در آن بمانند و بعد بروند. قلب، لانه‌ی گنجشک نیست که در بهار ساخته شود و در پاییز باد آن را با خود ببرد. راستش نمی‌دانم قلب چیست، اما این را می‌دانم که فقط جای آدم‌های خیلی خیلی خوب است! برای همیشه مانند منصور خان. ما همیشه قلب‌مان با هم بود. قلب او ایستاد، اما من فکر می‌کنم نایستاده؛ در ذهن و ضمیرمان هست. با خاطراتش که خنده‌ها را تکرار می‌کند.

از خدا توفیق خدمت خواستم، دل گفت پنهانی:
چه توفیقی از این بهتر که خلقی را بخندانی.

منصور، خنده‌هایش را فراموش نخواهم کرد. یادش گرامی.

ماهر در دروازه بانی



مجید مشایخ: در جریان بازی استقلال و پاس، پنالتی به نفع استقلال گرفته شد. منصور بهرمان تو دروازه بود. من هم زننده ضربه پنالتی، توپ گل شد.

فردا در کتابخانه بوشهر کنار آقای جهان‌افروزیان مدیر کتابخانه نشسته بودم، منصور آمد، بهش گفتم: می‌خواهی پنالتی من بگیری؟ من تا آخرین لحظه صبر می‌کنم، حرکت دروازه‌بان می‌بینم و برعکس حرکت بدن او ضربه می‌زنم.

چندماه بعد استقلال و پاس بازی داشتند و مجدد پنالتی شد. باز من و منصور روبروی هم ایستادیم، منصور با بدن به سمت چپ نشان داد و من ضربه را به راست زدم. سریع به راست خوابید و پنالتی مرا گرفت.

بعد آمد کنارم و گفت: یادت هست تو کتابخانه چند ماه پیش چه گفتی؟ من از فکر خودت استفاده کردم و با بدن فریبت دادم.

تسلیت کانون پیشکسوتان شاهین بوشهر



خداحافظ مرد اخلاق و ادب
ای که از نزهت ایوان تو بابی است بهشت!
وی که از روضه اخلاق تو فصلی است بهار!
و این بار کوچ عزیزی دیگر !!!
« منصور بهرمان »

هرچند تاریخ و زمان مرگ هیچ کس مشخص نیست اما خبر و باور مرگ برخی افراد واقعا عجیب و سخت است!

منصوری که همیشه و هروقت او را ملاقات می کردی با شوخی‌ها و تعاریفش، شاد و خندان می‌شدی، ناگهان خبر مرگش شهری را به سکوت می کشاند و به شوک می‌برد!

معرفت راه و مرامیست که به هرکس ندهند
معرفت عشق خدائیست به هر نفس ندهند

معرفت، خوش رویی، طنزگویی و ... از صفات آقا منصور بود که همه را جذب خود می کرد و نمی‌شد که او را ببینی و به سراغش نروی و یا خودش به سراغت نیاید.

از بی ادبی کسی به جائی نرسید
درّیست ادب به هر گدائی نرسید

ادب و رفتاری خاصی داشت و محبوب دل همه و به‌خصوص فوتبالی ها بود، زحمات زیادی برای فوتبال (تیم‌های کارگر، پاس، ایرانجوان، پارس جنوبی، منتخب بوشهر، شاهین و ...) به‌عنوان بازیکن و مربی کشید و هیچ وقت در هیچ زمینه ای ادعایی نداشت !

«کانون پیشکسوتان شاهین بوشهر»

باور هجرت سخت است

احمد گزی، مدیر عامل سابق شاهین بوشهر

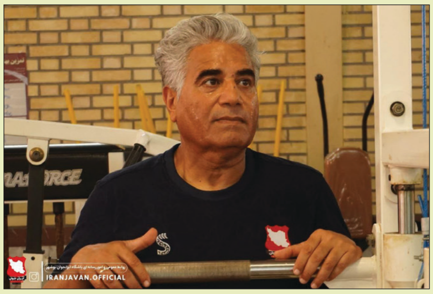


باور هجرت سخت است، ولی باید پذیرفت که گوهرهای کمیاب زندگی ورزشی‌مان یکی پس از دیگری سفر می‌کنند و ما نظاره‌گر هستیم. به راستی این همه مطالبی که در این روزهای اخیر درباره فوت عزیزمان، منصور باوفا نوشتند و گفتند، آیا گوشه‌ای از آن در زمان حیاتش مطرح شد؟

چرا، واقعاً چرا قدردانی از وجود عزیزان خود را نمی‌دانیم؟ منصور با آن چهره بشاش و همیشه خندان، چه در زمان بازیگری‌اش و چه در زمان مربیگری‌اش، با هیچ مدیری بر سر دستمزد چانه نزد. او خالصانه در اختیار تیم بود و بدون اظهار خستگی یا اخم.

فوتبال پرمایه بوشهر از این افراد کم ندارد، ولی توجهی به آن‌ها نداریم... به راستی چرا؟ منصور از نسل بازیکنانی بود که بی‌مزد و منت از جان مایه گذاشتند.

به هر حال در سوگ او نشسته‌ایم و افسوس نبودنش را چشیده‌ایم. بیایید منبعد از داشته‌های‌مان به نحو احسن استفاده کنیم، حرمت بگذاریم و بزرگداشت بگیریم، آن هم در حیات‌شان نه در ممات‌شان. آری، منصورها رفتند و جای آن‌ها خالی ماند. هنر کنیم به قول شهریار، ختمی بگیریم که پر بدک نبود. روحش شاد.



فوتبال بوشهر تا همیشه داغدار سنگربان اخلاق

محسن باستی – خبرنگار ورزشی



ناگهان هجدهمین روز از دیماه۱۴۰۳ به یکی از تلخ ترین روزهای فوتبال بوشهر تبدیل شد، منصور فوتبال این دیار، برای آخرین بار شاگردانش را تمرین داد و رفت.

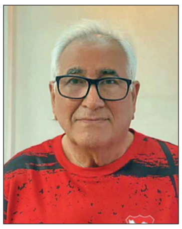
رفت تا فوتبال بندر تا ابد، داغدار مرام و معرفتش باشد، در سال های حضورش به عنوان سنگربان و مربی در تیم‌های مختلف، اولین اولویتش حراست و نگهبانی از دروازه اخلاق بود و سپس دروازه تیمش... .

منصور خان؛ هرگاه خواستیم از بزرگان فوتبال بوشهر بنویسیم، یاد لبخندت، اولین بند، اولین سطر و اولین جمله خواهد بود تا شاه بیت معروف سعدی همچنان پر معنا باقی بماند...

«سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز، مُرده آن است که نامش به نکویی نبرند»

وصف یک ورزشکار جوانمرد

فرهاد امینی – پیشکسوت ایرانجوان



داداش منصور بهرمان، رفیقی که خیلی زود ما را ترک کرد و غافل از این که ما چه قدر دوست داشتیم همواره کنارمان باشد. چون خیلی وقت است که رفیق بی کلک کمیاب شده؛ رفیقی که غمخوارت باشد و چون برادر پشتت را بگیرد و از صمیم دل دوستت داشته باشد. منصور عزیز از آن دسته رفیق‌ها بود که هرگز به دوستی و مردانگی و عشق و مرام و معرفتش پشت پا نزد.

آشنایی منصور عزیز با توپ فوتبال از کودکی شروع شد و خیلی زود عاشق آن شد، عشق به توپ و تور و دروازه‌بانی. طولی نکشید که مورد توجه استعدادیاب‌ها و مربیان ورزش فوتبال قرار گرفت، نخست در محلات و سپس در تیم باشگاهی.

وقتی به بلوغ رسید، الگوی ورزشی خود را هم انتخاب کرد و هدفمند در پی رسیدن به آرزوهای قلبی‌اش بود. در این مسیر بسیار زحمت کشید و تلاش و تمرین کرد و خداوند بزرگ خیلی زود نخستین آرزوی کودکی‌اش را در دسترسش قرار داد. در تیم باشگاهی



شهر بوشهر، سنگربان فیکس شد و چهارچوب دروازه را به او سپردند. منصور عزیز و جوان رعنا در محل برای خود کسی شد و در عرض چند سال خواهان بسیار پیدا کرد. خوش‌رویی و اخلاق‌مداری و فیزیک مناسب او باعث پیشرفت‌اش شد.

منصور عزیز طی چند دهه، با تمرین و تلاش مستمر خود در تیم‌های بزرگ شهر عزیز بوشهر چون الگوی خود ناصرخان حجازی از سنگر خویش محافظت می‌کرد و بارها و بارها با درخشش و توپ‌گیری‌های عالی‌اش، پیروزی و شادی را به هواداران پرشور بوشهری هدیه می‌کرد.

منصور عزیز شهر ما از خانواده محترم و معزز شهدا هم بود.

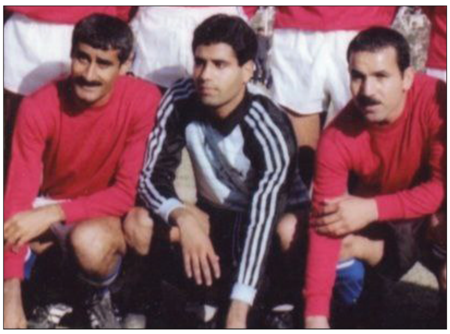
افسوس و صد افسوس که عمرش کوتاه بود، ولی شک ندارم اگر عمرش به این دنیای دون‌مایه بود حق بزرگان و پیشکسوتان فوتبال بوشهر را از دولتمردان بهانه‌جو که همواره مغزشان چون کارخانه تولیدی است و با بهانه‌های واهی و من درآوردی و قوانین کم‌ارزش و پوچ در زمان موعود طفره می‌روند، می‌ستاند. آن‌ها قطعه‌ای از زمین‌های خدا را به نام قطعه نام‌آوران و افتخارآفرینان ورزش فوتبال شهر عزیز بوشهر نام‌گذاری می‌کردند. چه بسا طولی نکشد که مردان



خداترس و مسلمان و دریادل بوشهری همت کنند و یک قطعه زمین را با همت عالی و کمک خیرین بخرند و دروازه‌بان این قطعه زمین منصور بهرمان عزیز ما باشد. به لطف و توفیق الهی این مهم عملیاتی خواهد شد، زیرا هرگز منصور دوست‌داشتنی و مرد خوش‌نام و پیشکسوت وفادار شهر عزیز بوشهر این آرزو را برای خودش درخواست نمی‌کرد، اما از آن‌جا که قلب پاک و بی‌ریای او صادقانه طالب بود و مدت‌ها در ذهن خود این خواسته را مرور می‌کرد، فرصت را غنیمت شمرده و خطاب به مسئولین و سردمداران حوزه ورزش و جوانان تقاضا نموده است.

به هر روی حال بر گردن تمام کسانی است که پیام منصور عزیز را شنیده‌اند و بی‌درنگ می‌بایست تلاش و مطالبه‌کری کنند تا به مطالبات به حق این عزیزان و پیشکسوتانی که عمری بدون مزد و مواجب جوانی خود را جهت شادی و دل‌خوشی و نشاط شهروندان و هواداران خود در مستطیل سبز گذاشتند، عملی شود.

در پایان از خداوند بزرگ خواستاریم روح منصور بهرمان شاد و یادش گرامی و بهشت برین جایگاهش



باشد و خداوند به خانواده محترم‌شان صبر و شکیبایی عنایت فرماید و متعلقین به منصور عزیز سلامت باشند و عمری با عزّت داشته باشند و تسلیت ما را که از شعف دل‌مان می‌باشد بپذیرند.

بدرود منصور باغیرت



حسین شادکامی: باورش سخت است، ولی حقیقت دارد. ما به پاس می‌داریم آن که به نیکی یادش می‌کنند. شروع از کوچه و پس کوچه‌های محلات با شور به میدان‌های بازی می‌رسید، می‌خواست اسطوره شود. عشق به فوتبال او را باانگیزه کرده بود و الگویش ناصر حجازی بود. یاد نامش در خاطره زنده است. زندگی‌اش از مستطیل سبز
فوتبال شروع کرد و پایانش هم در آن مستطیل سبز خاتمه یافت.

منصور، سی‌تو می‌نویسم، بیو آخر شویی کل کل کنم؛ راستی امروز چه کردی؟ استادیوم غلك (انبوه) از بزرگان و پیشکسوتان و کسانی که شاید بیش از بیست سال به استادیوم پا ننهاده بودند، سی بازی سرنوشت‌ساز و دیدنی تو آمده بودند. امین‌نژاد گزارش تهیه می‌کرد؛ شاهپیری هم فیلم می‌گرفت. انگار که بُرد خوبی داشتیم. ری‌کول نهادنت و تا دروازه طرف سکوی همیشگی ایران‌جوان بردنت و بعدش جلو جایگاه، همگی هلهله‌کنان برای شادی تو دست زدند و می‌خواندند «منصور قهرمان، منصور باغیرت». راستی، رفیق شفیقت ولید خان هم آمده بود تا افتخاراتت را ببیند. تیم ایران جوان یک‌دست وارد زمین شدند، چه شکوهی بپا کرده بودی. تو هر کوی و برزن نام تو را می‌بردند، مگر بهرمان کیست که این‌چنین دل‌بر است. خواستم بیام

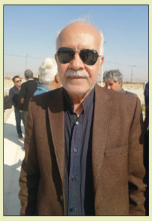


هلت (پیشت)، دیدم این‌قدر سرت شلوغ است که مَحَل مَا نمی‌زدی. فقط شو قبلش تو خوابم آمد و سیم گفتی بیو طرفمون و خوشحال بیدی، تازه فیس هم می‌دادی. فرهاد امینی از تو تهران پرس‌وجویت می‌کرد، ابریم فرهمند گلعلو (سر در گم) بید. بچه‌های گروه انجمن فوتبال جنوب و نقد ورزشی و خاطرات ورزشی و رسانه ورزشی آقای غریبی به همراه رضای بشکانی و حاج جاسم اکرامیان هم دیدمشون. بعضی‌هاشون هم که نمی‌شناختم هم بودند. حاجی علی عالی‌نژاد هم تو صحنه بود. تماشاگران، پیشکسوتان، بازیکنان و همه حیران و سرگردان بودند تا بازی سرنوشتت را در میدان ببینند. حاج حسین وردیانی هم کنارت بود. آقا معلم‌های مدرسه‌مون جلال غریبی و حمید اردلان بیدند. زنان هم به ورزشگاه آوردید دختران گلت و فامیل‌هایت برایت اشک شوق وصال و افتخار مهربونیت می‌ریختند.

راست می‌گویی، با همه کل‌کلات، باز هم چه‌قدر مهربان و دل‌بر بودی. دلم نمی‌خواست این روز به پایان برسد و همه دور هم بودیم. چه کنیم، تصمیمات را گرفتی که میدان‌دار و سنگربان تیم آسمانی‌ها باشی. حالا برو پیش رفیقات خرسند، تاجدینی، مصلح، چکرا و ماشو و رضا ماهینی زیر نظر مربی‌گری چاهیبخش و پوربهی؛ البته تیم کلنی است: گرانبها، احمد حیدری، پزن، تورانی و بقیه مهاجرین، انگار فقط یک دروازه‌بان می‌خواستند تا با تیم بهشتیان بازی کنند. حال هر کجا هستی تو را به خدا می‌سپارم.

کوچ گل سرسبد فوتبال بوشهر

عباس ارجمندی



منصور بهرامان، گل سرسبد فوتبال بوشهر ماندگار، رفتنت را چگونه در ذهن و باور خویش بگنجانم و چه بگویم که این‌گونه جدایی‌ات در منشور و پیمان‌مان نبود و چگونه سوز و گداز هجرتت را بر دل خویش جای دهم. دلی که بی‌قرار تمامی رفیقان رفته است و این بار نوبت تو بود. تویی که حتی گلایه‌هایت و دلتنگی‌هایت را با خنده‌رویی و خوش‌رویی تمام به مخاطبت می‌رساندی و در همان حال هرگز خنده از روی لبت محو نمی‌شد. آخرین بار، ما یک دورهمی با تعدادی از پیشکسوتان فوتبال کنار هم بودیم. ای کاش می‌دانستم که این آخرین دیدار و دورهمی‌مان است که تو کنارمان هستی و من بیشتر محو نگاه زیبایت می‌شدم، بیشتر به تو ابراز احساس می‌کردم و بیشتر می‌بوسیدمت. هرگز یادم نمی‌رود که گفتی: «تو را خدا، دورهمی بعدی خبرم کنید، حتما می‌آیم.» آخر قرار نبود این‌چنین و بدون خداحافظی از یاران خویش جدا شوی و بدین‌سان جدایی بی‌بازگشت را تجربه کنی و جامعه ورزشی بوشهر را در سوگ بنشانی.



یکی از چهره‌های بیادماندنی فوتبال جنوب

علی عالی نژاد – مدیرعامل باشگاه کارگر بنه گز
خانواده های محترم بهرمان ، جامعه ورزش استان بوشهر
درگذشت غم انگیز منصور بهرمان، پیشکسوت و مربی ارزنده فوتبال کشور و استان بوشهر موجب تاسف و تالم فراوان شد.
نام زنده یاد بهرمان به عنوان یکی از چهره‌های بیادماندنی فوتبال جنوب کشور، و از نمادهای بدیل اخلاق و مهربانی استان و یکی از هویت‌های فوتبال شهر خسته ی بوشهر ماندگار خواهد ماند. شماره یک ماندگار بوشهر، مرد اخلاق، از بزرگان عرصه فوتبال با کارنامه‌ای درخشان و پر افتخار بود که کمک‌های شایانی به فوتبال این مرز و بوم کرد.





شوک بزرگ و دردناک به فوتبال بوشهر

آقا منصور مهربان و همیشه خندان به دیار حق شتافت.
با نهایت تاسف و تاثر درگذشت نابهنگام منصور بهرمان مربی و پیشکسوت فوتبال بوشهر را به خانواده محترم بهرمان و جامعه فوتبال استان تسلیت عرض می‌نمائیم.
زنده یاد منصور بهرمان دروازه‌بان اسبق تیم‌های منتخب بوشهر، پاس و ایران‌جوان و همچنین سابقه مربیگری در تیم‌های ایران‌جوان و شاهین و پارس‌جنوبی جم و ایران‌جوان خورموج را در کارنامه داشت.
شایان ذکر است مرحوم بهرمان با جدیت و سلامت کامل تا قبل از مرگ، به عنوان مربی، دروازبان‌های ایران‌جوان را در زمین شماره یک ورزشگاه بهشتی تمرین داد. روحت شاد و قرین رحمت الهی باد.
«روابط عمومی و امور رسانه ای باشگاه ایران‌جوان بوشهر»

مجید رجبی، مؤسس باشگاه ایرانجوان بوشهر:



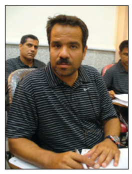
آقای منصور بهرمان یکی از بازیکنان بااخلاق و نمونه تیم ایرانجوان بوشهر و از مربیان خوب و برادر شهید و از بچه‌های محله کوتی بودند. هواداران بسیار ایشان را دوست می‌داشتند و مربی دروازه‌بان‌های ایرانجوان و مورد علاقه هیئت رئیسه این باشگاه بودند. خداوند روح‌شان را قرین رحمت الهی بفرماید.

عزیز دشتی دوست: همان‌طور که در مراسم تشییع



شاهد بودیم، منصور اسطوره‌ای از مهربانی، تعصب و انسانیت بود و روحی بزرگ داشت و همیشه خنده و شادمانی از منصور شاهد بودیم. روحش شاد و یادش گرامی و خداوند به خانواده‌اش صبر و شکیبایی عطا فرماید.

حسن جمالی، پیشکسوت فوتبال: بگذار تا بگریم



چون ابر در بهاران که از سنگ ناله خیزد در روز وداع یاران. کمتر تشییع جنازه‌ای دیدیم که همه گریان و پریشان بودند؛ با تقریبا یک ساعت تأخیر، پیکر پاک منصور آورده شد، ولی کسی خم به ابرو نیاورد و همه اهالی فوتبال سوختند و پرواز بلند منصور را دیدند، پروازی بلندتر از همیشه، این بار نه در دروازه، بلکه به سوی هم‌بازیانش زنده‌یادان علی مصلح، رضا بادپا، ماشاالله و رضا ماهینی، مسعود چکرازاده، اکبر عیوقی، اکبر اسدپور، پرویز منصورزاده، عبدی و محسن قلندرپور، اکبر چاپی‌پور و... زنده‌یادانی مانند مربیانی همچون کبگانی، چاهی‌بخش، پوربهی، تمجیدی، دهبان و مشوق‌ها... مح خال، زارع‌زاده، مختار و... روح همگی شاد و یادشان ماندگار.

محمد بحرینی – پیشکسوت فوتبال: خاطره‌ای



که از مرحوم منصور دارم، در تمرین منتخب بود. ایشان علاقه خاصی به حیدر غلامی‌نژاد داشت و می‌گفت اگر حیدر نبود، من در گلری پیشرفت نمی‌کردم. در تیم کارگر ذخیره حیدر بودم، از بس حیدر خوب بود نتوانستم جایش را بگیرم. به همین خاطر خیلی تمرین کردم و از تجربیات حیدر استفاده کردم و به تیم پاس رفتم و موفق شدم به خواسته‌هایم برسم. خیلی بی‌ریا بود، روحش شاد باشد.

احمد فریدونی هوادار ایرانجوان: مراتب



عمیق تاسف و تالم خود را از درگذشت اسوه مهربانی و اسطوره پیشکسوت استان به خانواده ایشان و جامعه ورزش استان تسلیت عرض می‌نمایم.

ورزشکار پیشکسوت استان افتخارات فراوان و به یادماندنی از خود به جای گذاشته که تا ابد بر چهره ورزش استان درخشان خواهد بود. ایشان شادی‌آور لحظات بسیاری به واسطه حضور درخشانش در تیم‌های منتخب استان، پاس، ایرانجوان، شاهین، پارس جنوبی جم و ایرانجوان خورموج در عرصه بازیکن و مربی بودند. زحمات درخشان زنده‌یاد منصور بهرامان را گرامی می‌داریم.

حسین منفرد – مدیر عامل باشگاه فرهنگی ورزشی



ایرانجوان خورموج (دشتی): منصور بهرمان، همیشه ما این چهره را فقط با خندهایش در آغوش می‌گرفتیم؛ ولی افسوس، از اینک به بعد در آغوش خاک باید دنبالش گشت.
منصوری که اسمش هر جا بود برند بهرمان ایشان، ناخواسته به مهربان تبدیل می‌شد.
تعهد قلبی، اخلاقی و فوتبالی که در هر جا می‌داد، دیگر حبس دل‌ها شده بود.
ولی اکنون نه تنها دشتی، حتی مرحوم حاج غلام، پدر فوتبالی این دیار هم؛ از این‌که منصور مهمانش شده در شوک است. ما که هنوز نبودنت را دروغ سیزده می‌دانیم. همه چیز بلد بودی جز دلسوزاندن و حالا دل ما از فراقت تا قیامت می‌سوزد.

ورزشکاری که حق خدمت به فوتبال بوشهر را ادا کرد

عبدالرسول غلامی‌نژاد – پیشکسوت فوتبال



منصور خان، چه باید در بزرگیت نوشت؟ زود رفتی و خنده و شوخ‌طبعی‌ات را از یاران گرفتی. بدون هیچ منتی در فوتبال بوشهر درخشیدی و در حق فوتبال بوشهر بزرگی نمودی.

منصور خان، جای خالیت در استادیوم و بین دوستان همیشه هویداست. منصور خان، از طایفه فوتبالی بودی که خاک را به نظر کیمیا کردی.

منصور خان، نمی‌دانم روحت در تشییع جنازه‌ات حاضر بود که ببیند مردم انسان‌دوست بوشهر حق را ادا کردند.

منصور خان، رفتم به سال ۱۳۵۹ در یزد که جوانی پرشور و شوق بودی و با شوخی‌ها و خنده‌های زیبایت خستگی را از همراهانت دور می‌کردی. چه حکمتی است که خوبان و خنده‌رویان خیلی زود مشتاقان را ترک می‌کنند؟ تفو بر تو ای چرخ گردون. منصور خان، زنده می‌مانی در تاریخ فوتبال بوشهر. دریغا از این دوری‌ها که ناخودآگاه همه ورزشکاران و ورزش‌دوستان را مات می‌نماید.

منصور خان، شیرینی گفتارت و سادگی زندگیت همه را عاشقت کرده بود. منصور خان، هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق.



تا آخرین لحظات در خدمت ورزش بود

علی اکبر شمسا – مربی پیشین تیم های پاس و منتخب بوشهر



فرایندی از خصوصیات اخلاقی و ورزشی مرحوم منصور بهرمان دروازبان تیم های کارگر و پاس و ایرانجوان و منتخب جوانان و بزرگسالان استان و همچنین مربی دروازبان های استان بوشهر منصور بهرمان از کودکی و نونهالی فوتبالش را از زمین‌های خاکی پشت مسجد شیخ سعدون(محله کوتی) شروع کرد.سخت کوشی و پشتکار مثال زدنیش و خستگی ناپذیریش باعث شد که در درون دروازه کارگر بوشهر زیر نظر استادش ابراهیم فرهومند در دسته یکم بوشهر قرار گیرد. دوران نوجوانی و جوانان در این تیم سپری کرد. بعد از چند سال به تیم پاس پیوست و در این تیم به مقام قهرمانی طی سال های ۶۳ تا ۶۵ نائل آمد. بعد از آن به تیم ایرانجوان پیوست و چند سال هم در درون دروازه این باشگاه قرار گرفت.

شوخ طبعی و خوش رفتاری و عشق و علاقه به آموزش دروازه بانی باعث شد تا به عنوان مربی دروازه‌بان‌های بوشهر و انتقال تجربیاتش به دروازه‌بان‌های جوان، او را از فوتبال دور نساخت. تا لحظات آخر عمرش در خدمت به ورزش و آموزش دروازه بان‌های استان بود. بعد از آخرین تمرینش در تیم ایرانجوان در منزل و تنهایی بودن سکته قلبی جان به جان آفرین تسلیم کرد و تشییع جنازه با شکوهش حاکی از مردمی و صادق بودن در کارش بر هم ورزشکاران و اهالی ورزش و هم شهروندان به تصویر کشاند. یادش گرامی و در جوار برادر شهیدش مسعود، خداوند محشورش فرماید.



دارای فضیلت‌های بی‌شمار انسانی بود

سعید مفتخر – مدیرعامل باشگاه ایران‌جوان بوشهر



منصور بهرمان بزرگ مردی که وداعش زود هنگام بود. رفیق و همراهی که رفتار اجتماعی منطبق بر ویژگی اسطوره‌های ملی ورزشی‌مان بود. کسی که دارای فضیلت‌های بی‌شمار انسانی بود. انسان خوش‌قلب و شریفی که خود را در معرض رویدادها و اتفاقات غیرقابل پیش‌بینی در مواجهه با جوانان جویای نام قرار می‌داد، و خرسند بود که می‌تواند قدمی بردارد و خود را به چالش می کشید تا همراه قابل اتکایی باشد و بود. منصور برآمده از بطن مردم و برای مردم بود و امروز در وداع حزن‌انگیزش همگان شاهدش بودیم و من چقدر سپاس گزار مهر مردمان قدردان دیارم هستم که با حضورشان آرام‌بخش دل خانواده غم زده‌اش شدند.

پر واضح است تکریم، سپاس و احترام اسطوره‌های زنده امیدبخش و راه‌گشای جامعه خواهد بود و ارزش‌های ماندگاری همچون جوانمردی، دیگرخواهی، امید و شادی، اقتدار و اعتبار فردی و صدها مزیت دیگر در جامعه را تقویت می کند. منصور عزیز همیشه در قلب ما جاودان خواهی ماند. روحت شاد و یادت همیشگی.

بزرگمردی به تمام معنا

ایمان محمد پور – ورزشی نویس



مانا یاد منصور بهرمان مردی متواضع، مشتی و بامرام بود. هیچ گاه از او بد ندیدم و نشنیدم و همگان به نیکی از وی یاد می‌کنند. وقتی به کارنامه پرافتخار دوران بازیکنی و مربیگری منصورخان نگاه می کنم بیشتر به فروتنی این مرد بزرگ پی می‌برم، هیچ گاه کارنامه درخشان و پُر وزن خود را به رُخ نکشید و با تواضع خاصی به تعلیم و تربیت دروازه‌بان برای نسل‌های مختلف پرداخت.

بهرمان به معنای واقعی اخلاق‌مدار بود و هیچ گاه خنده از لبانش نمی‌افتاد و هیچ فرقی برایش نمی کرد که آن فرد را می‌شناسد و یا خیر.

از لحاظ فنی هم در دوران بازیکنی و هم مربیگری الگو بود و همیشه خودش و شاگردانش شاخص بودند.

روحش قرین رحمت الهی.



هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: نسیم فقیه
مدیر مسئول و سردبیر:
دکتر یونس قیصی‌زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب - تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساپ: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان

هفته نامه نسیم جنوب



ویژه‌نامه درگذشت
شادروان منصور بهرمان
پیشکسوت ورزش بوشهر

(به کوشش مهدی صالحی‌زاده)

گفتگوی رضا سیاهوشی با منصور بهرمان در تیرماه ۱۴۰۱:

دروازه‌بانی بااخلاق، شایسته و بسیار جسور



آخرین عکس از منصور بهرمان
از امیر حسین صالحی‌زاده

متولد سال ۱۳۴۱ لاین ۱۱ محله احمد آباد آبادان و همسایه «احمدخان رزمی» با اخلاق و دوست داشتنی بودیم که بدون تردید یکی از بهترین مدافعان و برترین قیچی‌زن تاریخ فوتبال ایران بود.

بعد از کوچ از آبادان و در سن و سال کمتر از ۵ سالگی به محله سنگی و حوالی میدان سینگر اقامت کرده و سپس مدت کوتاهی در محله بن مانع و در آخر هم به محله‌ای رفتیم که فوتبالیست‌های نامی و بسیار خوبی به لحاظ فنی و اخلاقی معرفی کرد «محله شاه آباد» و «کوتی» فعلی.

منصور بهرمان درباره خاطراتش از زمین خاکی فوتبال میدان سینگر سنگی می گوید: «وقتی فوتبال بازی می‌کردم و درون دروازه قرار می گرفتم، بچه‌های بزرگتر از خودم اعتقاد داشتند آینده خوبی دارم. »

وی افزود: «تقریبا در سن نه سالگی در محله شاه آباد یا همان کوتی که مملو از استعداد بود و در میدان پشت زندان با بازیکنان بزرگی چون حسین حیدری (تینو)، حسین وردیانی، حسن حیدری، ماشاالله سینا و دیگر بزرگان بازی می‌کردم و با وجود سن بسیار کم مرا درون دروازه می گذاشتند.

مدتی بعد هم‌زمان که در تیم محل بازی می کردم با تیم پیشاهنگ که بعدها تیم کارگر شد هم تمرین می‌کردم که بعد توسط آقای ابراهیم فروهمند سرمربی و پیشکسوت عزیزی که زندگی ورزشی و فوتبالیم را مدیونش هستم به عنوان دروازه بان چهارم پذیرفته شدم. در تیم کارگر و باتوجه به اینکه دروازه‌بانی بزرگ و آماده‌ای هم‌چون حیدرخان غلامی نژاد داشت و من نیز سن و سال کمی داشتم ، اما استاد فروهمند در بیشتر بازی‌های دوستانه مثل بازی با راه آهن تهران و چندتا تیم شیرازی من را درون دروازه قرار می داد.

در تیم کارگر بودم که برای تیم ملی جوانان انتخاب شدم و پس از آن هم علیرغم این که تیم ایرانجوان خواهانم بود اما به تیم پاس رفتم و پس از ۴ سال حضور در آن باشگاه و خاطراتی خوب و خوش و قهرمانی‌های متعدد به باشگاه ایرانجوان رفته و فوتبال خود را با تیم محبوبم به پایان رساندم».

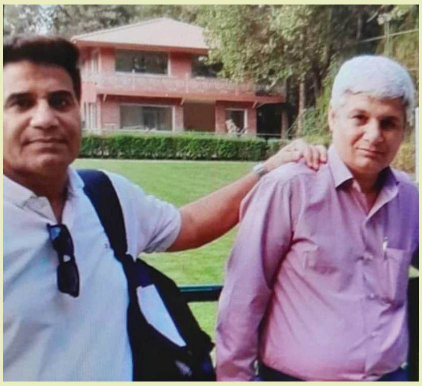
بهرمان دروازه بانی بااخلاق، شایسته، بانشاط و بسیار جسور و فنی بود و به نوعی همیشه آماده و سرحال بود، اما هیچ‌وقت اهالی فوتبال و پیشکسوتان بازی منتخب بوشهر و منتخب فارس و درخشش «منصور بهرمان» که بوشهری‌ها با نتیجه دو بر یک و با گل های ابراهیم رفعت و حمید کللی فر در ورزشگاه شهدای ارتش پیروز شدند و تیتر فردای رسانه‌های ورزشی و به‌خصوص دنیای ورزش که تیتر زد «فارس مغلوب دروازه‌بان بوشهر شد» فراموش نخواهند کرد.


فارس، مغلوب دروازه بان بوشهر شد
منتخب فارس ۱ - منتخب بوشهر ۲

و اما منصورخان هم در آخر امیدوار به بهبود وضعیت فوتبال بیمار بوشهر بود و از گرمی مسابقات و شور و نشاط آن در دوران خود گفت و آرزوی سلامتی برای همه پیشکسوتان داشت و باز مراتب تقدیر و سپاس فراوان از ژنرال فوتبال بوشهر (ابراهیم فروهمند) کرد و گفت از کودکی عاشق زنده یاد «تورانی» و روح جوانمردی آن بزرگ مرد بودم.

منصور بهرمان یک قهرمان بود

حسن غریبی



تا هستند قدر دانشان باشیم وقتی رفتن آه و افسوس دیگر بی فایده است!

گنجینه های ماندگار فوتبال بوشهر کم کم دارند یک به یک کوچ می کنند!

منصور بهرمان مرد همیشه خنده رو، شوخ طبع و دوست داشتنی برادری عزیز برایمان بود !

دو سال باهم در شهر جم زندگی کردیم
در باشگاه پارس جنوبی جم
بی نظیر بود آقا منصور
به کارش ایمان داشت و با تمام وجود در مستطیل سبز دروازه‌بان هایش را تمرین می داد !

خاطرات بسیاری در ذهنم به یادگار باقی مانده است ،از آقا منصور بامعرفت

در اردوهای بسیاری هم اتاق بودیم ، باورش برایم سخت است که اینک در خاک آرمیده !

منصور نه اهل چاپلوسی بود و نه اهل لابی گری بود، همیشه می گفت اگر حق من باشد
ارتقا پیدا می کنم و اگر هم فرد دیگری به این جایگاه مربی گری دروازه‌بانی برسد برایش آرزوی موفقیت می کنم هیچ وقت دوست نداشت جایی کار کند که حق فرد دیگری باشد. از دیدگاه بنده منصور بهرمان یک قهرمان واقعی بود روحش شاد...

